



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۱/۱۰

محمد آصف فقیری

بینش طالبانی در سلب جوهر انسانی تحلیل موردی (مکاتب دختران)

عدم فهم دین و سیاست مدرن در سطح و قشر پایانی طالبان و موسس شونندگان در رهبریت توسط عناصر بیرونی تثبیت کننده این گروه می باشد که هر جهش بسوی عقلانیت در تضاد بنیاد شان قرار میگیرد. از آنجائیکه زن یا هسته خانواده سازنده جامعه بدوی و توسعه یافته می توان باشد¹ که مسبب نزول چندین آیات قرآنی بر پاکدامنی بی است زیرا حادثه افک همراهی ام المومنین با صفوان بن مَعطل¹ که مسبب نزول چندین آیات قرآنی بر پاکدامنی بی بی عایشه شد. که این پاکدامنی از جایگاه و حکمتی است که آنرا روح منور و عقل منکشف در فلسفه نور عقل و نار عشق در عرفان اسلامی گویند. پس حبس نمودن زنان در بسته شدن مکاتب بدون شک مردود و منفور صاحب وحی که مخاطبش عقل است می باشد و طبق اوصاف باطنی انسان که توسط کیمیای سعادت امام محمد غزالی بیان شده است.

بدور ماندن از جوهر عقل و تسلط نیروی شهوانی در تهی بودن از معنویت انسان خود فساد آورست زیرا انسان به گفته ارسطو و امام محمد غزالی حیوان سیاسی است که حالت ثابت ندارد و باید در عالمی انسانی یا همان جوهر عقل مستغرق باشد. هرچند نسخه جدا شده از ارزش های اسلام که مبنای ترور و دهشت به توجه جهاد² که ضرورت مبرم به چندین پژوهش جداگانه دارد³ و در این مورد چنین مصادف است که نگه داشتن جامعه به گونه بدوی بر گسترش و تداوم دهشت و ترور می افزاید.

به قدرت رسیدن دوباره طالبان بعد ۲۰۲۱ ربط عمیق در اشتباهات سیاسی و انتقال قدرت در ۲۰۱۴ دارد زیرا فرصت که در ۲۰۱۴ چنین جلوه ساز شد که به گفته توماس هاپس فیلسوف انگلیسی حاکمیت را به لویاتان³ تشبیه می کند و آن لویاتان در ۲۰۱۴ موسس کننده بود که جاگزین ریاست اجرائیه⁴ تعدیل قانون اساسی خواسته می شد و اینکه قدرت موضوع حاکمیت است⁵ به اقتدار دست پیدا می کردیم و متعهدین درجه اول بین المللی ما ناگزیر به میز مذاکره قطر با طالبان نمی شد.

در ثانی والی ولایت که از رای مسقیم مردم همان ولایت در نظام غیر متمرکز در اثر تعدیل ۲۰۱۴ انتخاب می شد⁶ هرگز ولایت را در پی معاملات ننگین با ارک تسلیم به طالبان نمی کرد. از این جهت رسیدن دوباره طالبان به قدرت سیاسی و فرار فرد اول کشور در پی علل و معلولی است⁷ که عدم تکرار شدن فاجعه دکنتر نجیب بهانه بود و در زیر ذره بین میتودالوژی سیاست افغانستان اظهر من الشمس است⁸ تقسیم نشدن کیک سیاست در قطر بین اقوام و بصورت تمامیت خواهی قدرت به قوم خاص اشتباهی سیاسی ۲۰۱۴ در قبولیت فاشیستی بود⁴ که شاهد گذر نمودن قدرت به تمامیت خواهی یا توتالیتراریسم شدیم⁹ و بیم بی نهایت می رود که در صورت عدم منظم مبارزات و نزاع های حق محور مردمی¹⁰ کشورهای همسایه ناگزیر به رسمیت شناختن گروه کنونی که قدرت را نامشروع تصاحب کردند شوند¹¹ بایستی معطوف به مبارزین آزادی ملت اینست که برنامه های کوتاه¹² میان و دراز مدت شانرا به گونه انسجام یافته به جامعه جهانی جهت جلب حمایت و فشار حد اکثری به گروه حاکم ارایه نمایند و اجازه داده نشود که با نفوس کردن در افکاری بدوی افراد جامعه¹³ گروه حاکم رنگ و نیرنگ را حاصل کند که آنرا اراده

¹ رجوع شود تفسیر روح البیان: آیه ۱۱ و ۱۲ سوره نور در مورد حادثه افک.

رجوع شود به کتب: مرد انگلیس در کشورهای اسلامی، بخش اخیر در مورد افغانستان در تاریخ

دیپلماسی دکنتر نقیبی زاده و چندین مقالات در مورد ایجاد

² اخوان المسلمین مصر و ربط آن به افغانستان.

³ لویاتان حیوان تصنعی ذهنی است که سر از دریا بیرون آرد همه را زیر تاثیر و قدرتش می

⁴ آرد و انرا هاپس به حاکمیت تشبیه کرده است.

⁵ برای درک بیشتر: آزادی ها و هانا آرنست در کتاب توتالیتراریسم.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

مردم بنامد' هرچند مشروعیت از مبانی حقوق بینادین بشر و تفکیک قوا در عدم مبدل شدن قدرت به استبداد منشاء می گیرد که در چهارچوب مدون توسط مردم بصورت مستقیم یا نمایندگان اعمال می شوند. قانون اساسی ۱۳۸۲ بر حق زنان تبعیض مثبت را در انتخابات قایل شده بود' هرچند عدم قانون اساسی گرای در دو دهه گذشته چالش بود که وجه ملت سازی بسوی قانون اساسی در سیر بود' و جز لاینفک آن برابر جنسیتی برحسب عدالت اجتماعی که برخلاف ۱۹۹۶ طالبان' اینک بصورت برق آسا و تداوم خواسته و مبارزه مشروع مردم برای باز شدن دوباره مکاتب ستودنی و حمایت های منطقه وی و بین المللی را نیز به همراه دارد' مقبولیت و رضایت ملت از دولت دو اصل از پایداری و ثابت از قدرت است که مشروعیت آن را رقم می زند' رجوع نمودن به مولفه های مردمی تنها گزینه است که عدم آن خودکشی سیاسی محسوب می شود' و به گفته ژان ژاک رسو فیلسوف فرانسوی: می توان کشوی را با نیزه گرفت ولی نتوان بالای آن نشست.

محمد آصف فقیری پژوهشگر علوم سیاسی و مطالعات فلسفه و عرفانی اسلام

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ